



# حیات طیبه انسان از منظر قرآن کریم

\* دکتر جمال فرزند وحی \* معصومه رحیمی

## \* چکیده

حیات طیبه یکی از مقولات بنیادی در اندیشه بشر معاصر است. مسلمانان و غیر مسلمانان از منظر خاص خود این موضوع را مورد مطالعه قرار داده اند و با توجه به دیدگاه های مکتبشان از آن تعریفی ارائه داده اند. این مسأله در قرآن کریم نیز مطرح و راههای دست یابی به آن ذکر شده است. با توجه به اهمیت و جایگاه والایی که این مسأله نزد دین مقدس اسلام دارد؛ شناخت و تلاش برای رسیدن به آن یا عدم معرفت و کوشش برای شناخت آن، نتایج متفاوتی برای انسان در بر خواهد داشت. کسانی که حیات جسمانی خود را آینه تمام نمای خود می پندارند؛ تمام تلاش خود را برای این حیات هزینه می کنند و در نتیجه نمی توانند به هدف واقعی از آفرینش انسان که رسیدن به کمال است؛ برسند. در این پژوهش بعد از ذکر معنای حیات طیبه از دیدگاه مفسران ولغت دانان، وجوه مختلف حیات در قرآن کریم ذکر و جایگاه حیات طیبه در میان این وجوه مشخص شده است. بعد از آن مهم ترین ویژگی های حیات طیبه مطرح و راههای دست یابی به آن مورد بررسی قرار گرفته است. بر این مبنا این تحقیق مسأله حیات طیبه را مورد بررسی قرار داده تا بتواند تصویری روشن و حقیقی از آن ارائه دهد و این گامی است هرچند کوتاه و چه خوب است دست مایه ای باشد پیش روی محققین گرانقدر، تا در ابعاد وسیع تر به بررسی دقیق تر این موضوع بپردازند. در این پژوهش برای گردآوری مطالب از روش اسنادی و کتابخانه ای استفاده شده است.

## \* کلید واژه :

حیات طیبه، ایمان، عمل صالح

## \* مقدمه:

خداوند انسان را آفرید و به او نعمت حیات را ارزانی داشت. از دیدگاه ادیان

\* عضو هیئت علمی دانشگاه ایلام

\* \* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام

الهی انسان آمیزه ای از جسم، روح، ماده و معناست. مقصود از قلمرو مادی، زندگی جسمانی است که محسوس و ملموس همگان می باشد و از مظاهر آن می توان به تغذیه و نمو، تلاش و پویایی، دگرگونی و بالندگی و در نهایت به ضعف و سستی و زوال و پیری اشاره کرد. مقصود از قلمرو معنوی زندگی انسان، بعد نامحسوس و پنهانی است که مربوط به روح و عنصر اساسی وی می باشد. این بعد از وجود انسان نیز از مظاهری چون تغذیه و رشد، دگرگونی، تحول، پویایی و بالندگی متناسب خویش برخوردار است. خصوصیتی که موجب امتیاز این بُعد از بُعد مادی می گردد و به آن برجستگی خاصی می بخشد؛ بقا و جاودانگی حیات در این قلمرو می باشد. در میان مراتب مختلف حیات، حیات طیبه برترین نوع حیات است. این حیات و زندگی آرزویی دست نیافتنی نیست بلکه حقیقت و واقعیتی است که باید عوامل آن را شناخت و به کار بست و باز دارنده ها را از جلو راه برداشت. بی گمان برای رسیدن به هدفی چنین والا و بزرگ باید ابزار سازگار با آن را برگزید و راه اصلی را شناخت. جامعه ای که می خواهد آب گوارای حیات طیبه را نوش کند و زیستی شایسته در پرتو آن داشته باشد؛ در گام نخست باید زمینه های پدیدار شدن آن را فراهم سازد و سپس با آسیب ها و آفتها بستیزد آن گاه است که شاهد دستاوردهای سازنده و تعالی بخش آن خواهد بود.

### ✽ حیات طیبه در لغت و اصطلاح

♦ راغب در مفردات حیات را به معنای نیروی حس کننده و حساس، قوه و نیروی عمل کننده عاقله می داند. (۱/۵۶۹) در معجم الوسیط حیات به معنای رشد، نمو، بقا، منفعت، سود، زندگانی، چیزهایی که جانداران و جمادات را از هم جدا می کند؛ می باشد. (ریگی، محمد، ۱/۴۷۷)

طیب به معنای دلچسبی، طبع پسندی. (طاب الشی طیباً) یعنی دلچسب و طبع پسند شد. اصل آن طیب است که حواس از آن لذت می برد. نقیض طیب خبیث است. (قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ۵/۲۵۷)

♦ حسینی دشتی طیب را به معنای بوی خوش، پاک، پاکیزه و طاهر می داند. (و هدو الی الطیب من القول) (حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، ۷/۱۱۵)

♦ طیب به معنای دور بودن از هر گونه ناپاکی، هر چیزی که از آلودگی ظاهری



و باطنی به دور باشد و خود نیز خوشایند و شایسته باشد. (مصطفوی، حسن، تحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۵۱/۷)

♦ مرحوم طباطبایی: حیات طیبه، حیاتی واقعی و جدید است که خداوند آن را به کسانی که سزاوارند؛ افاضه می فرماید و این حیات جدید و اختصاصی جدای از زندگی سابق که همه در آن مشترکند؛ نیست. در عین اینکه غیر آن است؛ همان است. تنها اختلاف به مراتب است نه به عدد. پس کسی که دارای آنچنان زندگی است؛ دو جور زندگی ندارد بلکه زندگیش قوی تر، روشن تر، و واجد آثار بیشتر است. (طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ۴۹۱/۱۲)

♦ مکارم شیرازی: حیات طیبه یعنی تحقق جامعه ای قرین با آرامش، امنی ت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده ی انسانی که از نابسامانیها و درد و رنجهایی که بر اثر استکبار، ظلم، طغیان، هوا پرستی و انحصار طلبی به وجود می آید و آسمان زندگی را تیره و تار می سازد؛ در امان است. (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۳۹۱/۱۱)

♦ حیات طیبه، زندگی شرافتمندانه همراه با قناعت و خشنودی از آن نعمتی که خداوند بهره ی انسان ساخته است؛ می باشد. (طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۷۳۴/۱۷)

### ✽ **وجوه مختلف حیات در قرآن**

حیات در قرآن کریم در معانی مختلفی به کار رفته است؛ در اینجا چند مورد از این معانی با توجه به آیات مربوط به آن مورد بررسی قرار می گیرد:

#### ۱) زندگی گیاهی

زندگی گیاهی نوعی از زندگی حیوانی، البته مرتبه ای ضعیف تر از آن است. گیاهان نیز دارای ساختمان سلولی و اجزای حیاتی همانند حیواناتند؛ هر چند که در شکل و آثار متفاوت می باشند. حیات گیاهان در قرآن کریم به زمین نسبت داده شده است و رویاندن گیاهان و زندگی یافتن آنها (احیای زمین) خوانده شده است. (علوی، محمد علی، حیات رویکردی قرآن/ ۱۰۰) در آیات ذیل می خوانیم:

حیات طیبه انسان  
از منظر قرآن  
کریم

﴿ وَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ ﴾ و زمین را بعد از مرگش دوباره زنده می سازد و براین گونه (از گورها) بیرون آورده می شوید. (روم/۱۹/۳۰) برای همه روشن است که در فصل زمستان زمین به صورت مرده در می آید؛ اما در فصل بهار با تعادل هوا و فرو ریختن قطرات حیاتبخش باران جنبشی در زمین پیدا می شود. همه جا گیاهان می رویند و شکوفه ها بر شاخه ها آشکار می شوند. پس می توان گفت حیاتی که در این آیه به زمین نسبت داده شده است؛ همان سرسبزی و خرم شدن آن به وسیله قطرات باران در فصل بهار است. (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۱۶/۳۸۵)

﴿ وَ اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴾ و خداوند از آسمان آبی فرو آورد و بآن زمین را پس از پژمردنش زنده گردانید. قطعاً در این امر برای مردمی که شنوایی دارند؛ نشانه ای است. (نحل/۱۶/۶۵)

برطبق این آیه شریفه، زمین های خشکیده ، خاموش و بی روح که گاهی خشکسالی آنها را چنان از کار انداخته که انسان هرگز باور نمی کند؛ در گذشته در آغوشش گیاهی پرورش یافته و یا در آینده، موجود زنده ای در دامانش تولد خواهد یافت؛ اما باران های پی در پی و به دنبال آن تابش اشعه حیاتبخش آفتاب، آن را به حرکت در می آورد.

## ۲) زندگی حیوانی

این گونه زندگی خود در بر دارنده ی مراتب و درجات متعددی است. همان حیاتی است که موجوداتی چون انسان ها و جانوران دارا هستند. زنده گان به این حیات با آثار و نشانه هایی مانند حرکت، احساس، تغذیه، تولید مثل، اراده و تغذیه شناخته می شوند. همه انسانها در بهره مندی از حیات حیوانی مشترکند. چه مؤمنانی که فراتر از این زندگی ، حیات طیبه دارند و چه کافران محروم از این بهره مندی برتر. چون هم مؤمنان و هم کافران در آغاز دارای این حیات بوده و به یک اندازه از آن بهره مند بودند؛ اما کافران در تنگنای حیات حیوانی بدان قناعت کرده ولی مؤمنان آن را ترقی داده و به حیات برتر رسیده اند. (علوی، محمد علی، حیات رویکردی قرآن/۹۷) کسانی که برای زندگی دنیا و

حیات طیبه انسان  
از منظر قرآن  
کریم

زینت آن از هوای نفسشان تبعیت کرده و هیچ تلاشی برای آخرتشان نمی کنند؛ به سان چهار پایان گمراهند. گاه کارانسان به جایی می رسد که تا سرحد یک چهارپا سقوط می کند. تمام شایستگیهای خود را به هدر داده و از اوج مسجود بودن فرشتگان به حضيض نکبت بار شیطان سقوط می کند. (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۱۵/۱۰۷) مفسران آیه ۱۵ و ۱۶ سوره هود را نمونه بارز زندگی حیوانی می دانند:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا نُوفَّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ﴾  
 کسانی که زندگی دنیا و زینت آن را بخواهند؛ نتیجه اعمالشان را در همین دنیا به آنها می دهیم و چیزی از آنها کم و کاست نخواهد شد. (هود/۱۱/۱۵)

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ بَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾  
 آنها در آخرت جز آتش سهمی نخواهند داشت. و از آنچه در دنیا (برای غیر خدا) انجام دادند؛ بر باد می رود و آنچه را عمل می کردند؛ باطل و بی اثر می گردد. (هود/۱۶)

### ۳) زندگی دنیوی

نوع دیگری از حیات که آیات قرآن بارها به آن اشاره کرده اند، زندگی دنیوی است. این نوع زندگی باید مقدمه ای برای رسیدن به حیات جاودان اخروی باشد، نه اینکه آن را پایان زندگی دانست. پیروان این دیدگاه مرگ را پایان بخش دفتر زندگی نمی دانند بلکه آن را غروبی می دانند که طلوعی درخشان در پی دارد، زیرا زندگی دنیا را راهی برای رسیدن به آن دانسته اند.

... فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنْ مَا أَنْتَ تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا پس هر حکمی می خواهی بکن که تنها در زندگی دنیاست که تو حکم می رانی. (طه/۲۰/۷۲)

### ۴۰) زندگی اخروی

در بعضی از آیات قرآن کریم، واژه حیات در مورد زندگی پس از مرگ به کار رفته است. و هنگامی که از ویژگی های جهان آخرت حرف می زند؛ از آن به عنوان یک نوع حیات یاد می کند. در زیر یک نمونه از این آیات ذکر می شود:



﴿وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ و زندگی حقیقی در سرای آخرت است. ای کاش می دانستند. (عنکبوت/۲۹/۶۴)

در این آیه شریفه از زندگی اخروی به عنوان یک نوع حیات یاد شده است. زندگی آخرت بقایی است که فناپی با آن نیست. لذتی است که با الم آمیخته نیست. سعادت است که شقاوتی در پی ندارد. و حیاتی است واقعی و به معنای حقیقی کلمه. (طباطبایی، محمد حسین، تفسیرالمیزان، ۲۲۵/۱۶) از طرف دیگر باید توجه داشت که حیوان به اعتقاد جمعی از مفسران و لغت دانان به معنای حیات است. زیرا از کلمه حی گرفته شده و حیوان بوده است که یاء دوم آن تبدیل به واو گشته و حیوان شده است و این اشاره به این است که سرای آخرت عین زندگی و حیات است. گویی حیات از همه ابعاد آن می جوشد و چیزی جز زندگی در آن نیست. و تنها این حیات است که درد و رنج در آن نیست و خالی از هر گونه تضاد و تزاحم است. ولی اگر انسان بداند و اهل تحقیق باشد.

#### ۵) حیات خداوند

در بعضی از آیات قرآن کریم ذات باری تعالی را صاحب حیات واقعی معرفی کرده است و حیات دیگران را واقعی نمی داند. زیرا او همواره در همه حال زنده است. پیش از همه بوده و پس از همگان خواهد بود. نه حیات او را مرگی است و نه دلدادگی اش را محرومیتی؛ بلکه اوست که قبل از مرگ دیگران و پس از ناداریشان، وارث دارائی ها است. در این آیه می خوانیم:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾: خداست که معبودی جز او نیست، زنده و برپا دارنده است. (بقره/۲/۲۵۵)

این آیه به صراحت بیان کننده حیات ثابت و حقیقی برای خداوند است. اسم حی به معنای کسی است که حیاتی ثابت داشته باشد. چون این کلمه صفت مشبیه است و مانند سایر صفات مشبیه دلالت بر دوام و ثبات دارد. حیات حقیقی باید طوری باشد که ذاتا مرگ نپذیرد و عارض شدن مرگ بر آن محال باشد. این مسأله قابل تصور نیست مگر اینکه حیات عین ذات حی باشد، نه عارض بر ذات او. و همچنین از خودش باشد نه اینکه دیگری به او داده باشد. بنابراین حیات حقیقی، حیات خدای واجب الوجود است، و یا به عبارت دیگر



حیاتی است واجب. و حیاتی اینچنین است که صاحب آن به ذات خود عالم و قادر باشد. (تفسیر المیزان، ۵۰۳/۲)

#### ۶) حیات فکری و عقلانی

فکر کردن و تأمل ورزیدن در پدیده های عالم هستی و پرهیز از برخورد غیر عاقلانه با آنها یکی از ابزارهای کارآمد برای رهایی از بی خودی و پیدا کردن محور اصلی زندگی می باشد و به همین دلیل است که در قرآن مورد تأکید قرار گرفته است؛ تا آنجا که یکی از انواع حیات را حیات فکری و عقلانی می دانند. (جمشیدی، اسدالله، نگاهی قرآنی به حیات معنوی/ ۷۸) درآیه ذیل می خوانیم:

﴿أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلَهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زَيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ آیا کسی که مرده (دل) بود و زنده اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن در میان مردم راه برود؛ چون کسی است که گویی گرفتار در تاریکیهاست و از آن بیرون آمدنی نیست؟ این گونه برای کافران آنچه انجام می دادند؛ زینت داده شده است. (انعام/ ۱۲۲/۶)

بر طبق این آیه شریفه انسانهای الهی دارای حیات جاویدی هستند که با حیات دیگران متفاوت است و آن حیات فکری و عقلانی است. افراد صاحب این حیات، عقل و اراده شان به جایی دست پیدا می کند که عقل و اراده دیگران به آن دست پیدا نمی کند؛ گر چه ظواهر اعمال و صور سکناشان عیناً شبیه به ظواهر اعمال و سکناات و حرکات دیگران است؛ اما شعور و اراده ای فوق شعور و اراده دیگران دارند. و از طرف دیگر مؤمنی که در این مسیر قرار بگیرد؛ دارای نوری است که این نور در مسیر زندگی اجتماعی که مسیر تاریک و پرتگاه عجیبی است؛ راه خود را پیدا نموده و از اعمال آن اعمالی را انجام می دهد که در مسیر زندگی نافع باشد.

#### ❁ جایگاه حیات طیبه در میان وجوه مختلف حیات

با توجه به وجوه مختلفی که برای حیات در قرآن کریم ذکر شد؛ این سؤال مطرح است که حیات طیبه جزء کدام یک از وجوه مختلف حیات است؟ بر طبق

حمات طیبه انسان  
از منظر قرآن  
کریم

تعاریفی که مفسران از حیات طیبه ارائه دادند؛ چنین به نظر می رسد که حیات طیبه جزء حیات گیاهی نیست. چون در حیات گیاهی صحبت از زنده شدن زمین در فصل بهار به وسیله باران است. و نیز جزء حیات حیوانی نیست. چون در حیات حیوانی فقط تغذیه، نمو، رشد و احساس مطرح است که همه انسانها در آن مشترکند و همچنین جزء حیات خداوند نیست. چون حیات خداوند به معنای حی بودن واقعی اوست و به غیر از خداوند هیچ کسی باقی نمی ماند. پس حیات طیبه نوعی از زندگی دنیوی و حیات جاودان اخروی است که انسان می تواند هم در دنیا و هم در جهان دیگر صاحب آن باشد. حیات طیبه دنیوی حیاتی است که در آن انسان با داشتن ایمان و انجام دادن اعمال صالح و پرهیز از هر گونه ظلم و طغیان و هوا پرستی مسیر زندگیش را به سمت حیات طیبه اخروی سوق می دهد و حیات طیبه اخروی نتیجه اعمال صالح انسان در زندگی دنیوی است. و انسانی که در دنیا زندگی طیبه داشته باشد؛ در آخرت هم صاحب آن است.

البته بین حیات طیبه دنیوی و حیات طیبه اخروی اختلاف اساسی وجود دارد. حیات طیبه دنیوی همیشگی نیست بلکه مقدمه ای است برای رسیدن به حیات جاودان اخروی. و همچنین نوع بهره وری در این دو نوع حیات با هم متفاوت است. در حیات طیبه دنیوی نعمت ها و لذت ها محدود به زمان و شرایط خاص حاکم بر زندگی دنیا می باشند. بر خلاف حیات جاودان اخروی که همه چیز در آن دائمی و زائل نشدنی است و هیچ محرومیتی در بهره وری ها وجود ندارد. (تفسیر نمونه، ۳۸۹/۱۱)

### ❁ عوامل رسیدن به حیات طیبه

در این قسمت مهم ترین عوامل رسیدن به حیات طیبه با تکیه بر آیات قرآن بررسی می شود، صریح ترین آیه ای که به این مهم اشاره کرده است؛ آیه زیر است:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ هر کس که کار شایسته ای انجام دهد؛ خواه مرد باشد یا زن در حالی که مؤمن است؛ او را به حیاتی پاک، زنده





می داریم. و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می دادند؛ خواهیم داد. (نحل/۹۷/۱۶) این آیه مهم ترین راه دست یابی به حیات طیبه را ایمان و عمل صالح معرفی می کند و در این مورد بین زن و مرد هیچ تفاوتی قائل نمی شود و همچنین دیگر قیود و شرایطی مانند سن، نژاد، جنسیت، پایگاه اجتماعی و ... را لحاظ نمی داند. توجه به این آیه شریفه، نقش بسیار عمیق ایمان و عمل صالح را در رسیدن به حیاتی پاک و پاکیزه روشن می سازد. پس شایسته است که این دو عامل مهم را مورد بررسی قرار دهیم:

### (۱) ایمان

ابن منظور در معنای ایمان چنین گفته است: ایمان به معنای ضد کفر و تصدیق که ضدش تکذیب است؛ آمده است. و همچنین به معنای رهایی از ترس آنجا که خداوند می فرماید: و آمنهم من خوف. (قریش/۴) (لسان العرب، ۱۳/ ۲۱) اغلب ایمان را از ماده آمن به معنای طمأنینه داشتن روح، آرامش خاطر و از بین رفتن بیم و هراس می دانند. (مفردات راغب، ۱/۹۰) ایمان در اصطلاح گرایش قلبی و وابستگی فکری، اعتقادی و روانی به یک معبود، به یک قطب حاکم و مرکز است. به شکلی که انسان بر طبق آن عمل کند و به لوازم ایمان و تعهدات آن پایبند باشد. بنابراین در این مفهوم باور نهفته است. یعنی قبول یک مطلب به وضوح و روشنی و به نحوی که دل را مستخر کرده و روشن سازد و دل، زنده به آن باور باشد. (کاشانیها، زهرا، ایمان و مؤمنان در قرآن و حدیث/۱۵) ایمان دارای دو رکن اساسی یعنی التزام قلبی و ظهور عملی است. اگر عملی بدون التزام و اعتقاد قلبی و باور به حقانیت آن از فرد صادر شود؛ نشان ایمان او نیست و همچنین در صورتی که التزام قلبی مجال بروز پیدا نکند و در مقام عمل ظاهر نگردد؛ بیان نقصان و کاستی در ایمان است. (اعرافی، علیرضا، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام/۴۳)

### (۲) عمل صالح

عمل صالح عملی است که در شرع به عنوان واجب یا مستحب معرفی شده است و سالک از طریق انجام آن می تواند سیر و سلوک کند و به مقام قرب نائل گردد. سالک باید مطیع شرع باشد و برای سیر و سلوک جز راه شرع راه دیگری

حیات طیبه انسان  
از منظر قرآن  
کریم

طی نکنند و اگر غیر از این مسیر برود؛ نه تنها به مقصد نمی رسد بلکه از مقصد دور می گردد. عمل صالح از راه نیت و اخلاص در نفس فاعل اثر می گذارد و او را رشد و تکامل می دهد. عمل صالح، وسیله تکامل نفس، تقرب به خدا، نیل به درجات عالی انسانیت و زندگی پاک و پاکیزه اخروی است. (امینی، ابراهیم، خود سازی یا تزکیه نفس/ ۲۵۴)

### ۳) رابطه ایمان و عمل صالح

ایمان و دیگر حالات روانی مثبت که عامل رشد انسانی است؛ بدون عمل نتیجه مطلوبی نخواهد داشت و تنها زمانی ثمر بخش خواهد بود که به عمل در آید. از طرف دیگر عمل بدون معرفت و ایمان یک پدیده بی اساس است. بنابراین در دین اسلام عمل بدون معرفت و ایمان، همان مقدار بی نتیجه است که معرفت بدون ایمان و عمل. (کاشانیها، زهرا، ایمان و مؤمنان در قرآن و حدیث/ ۳۹) خداوند متعال در قرآن کریم هشتاد و هفت بار ایمان را در کنار عمل صالح ذکر کرده است. عمل صالح نه تنها نشانه وجود ایمان در دل ها و مایه ی تجلی و درخشش آن در زندگی است بلکه عمل صالح نسبت به ایمان، به منزله تنه و شاخه، به ریشه آن است که هر یک در دیگری تاثیر متقابل دارد و وجود هر یک مایه تکامل دیگری است و آسیب پذیری یکی موجب آسیب پذیری دیگری نیز هست. (فصلنامه علمی، پژوهشی کاوشهای دینی/ ۱۳۸) در روایات معصومین نیز ملازم بودن ایمان در کنار عمل صالح بارها مورد تاکید قرار گرفته است. از جمله حضرت علی علیه السلام در این مورد می فرماید:

﴿الایمانُ و العَمَلُ أَخَوَانِ تَوَامِلٍ وَ رَفِیقَانِ لَا یَفْتَرِقَانِ لَا یَقْبَلُ اللهُ أَحَدَهُمَا إِلَّا بِصَاحِبِهِ﴾ ایمان و عمل دو برادرند که با همدند. از یکدیگر جدا نمی شوند. و خداوند عزوجل یکی از آن دو را قبول نمی کند مگر با دیگری. (غررالحکم/ ۱۰۹) خلاصه آنکه ایمان وقتی مثمر ثمر واقع می شود که به عمل منجر شود و آن هم به صورت عمل صالح و اگر نه هیچ کدام از این دو به تنهایی کار گشا نخواهند بود.

### ❁ مهم ترین ویژگی های حیات طیبه

اکنون به مهم ترین ویژگی ها و نشانه های حیات طیبه اسلامی می پردازیم.

حمات طهره انسان  
از منظر قرآن  
کریم

به این امید که توانسته باشیم در فضا سازی معنوی کشور اسلامی و ایجاد محیط اخلاقی و طرح مدینه فاضله دینی گامی هر چند کوتاه و گذرا برداریم:

(۱) خدا باوری

محور زندگی در حیات طیبه خداست. هر کاری که از فرد در این مرحله از حیات سر می زند؛ برای خداست. برای جلب رضایت اوست. در نظر راه یافتگان به این مرحله از زندگی، جز او، دیگری ارزشی ندارد تا کاری برای وی انجام شود. هر پیامبری که عهده دار هدایت قومش شد؛ اولین پیامش بندگی خدا بود. در واقع هدف اصلی پیامبران استقرار همین نکته یعنی بندگی خداست و هر کاری فرع و ابزاری برای این امر است. انسان هر مقداری بتواند در این محور پایدار بماند؛ به همان نسبت از حیات طیب بهره مند است و هر چه این محوریت به خلوص گراید؛ حیات معنوی زلال خواهد گشت. (جمشیدی، اسدالله، نگاهی قرآنی به حیات معنوی/ ۴۲) قرآن کریم در آیات مختلف بارها محوری بودن خداوند تبارک و تعالی را بیان می کند. از جمله:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ بگو در حقیقت نماز من و سایر عبادات من و زندگیم و مرگ من برای پروردگار جهانیان است. (انعام/ ۱۶۲/۶)

در این آیه ی شریفه خدای تعالی به رسول گرامی خود دستور می دهد که به مردم بگوید: به مردم بگو که من نماز، تمامی عبادات، زندگیم و جمیع شوؤن آن و همچنین مرگم باجمیع امور آن که مربوط به من است، همه را برای خدا قرار دادم بدون اینکه کسی را در آنها شریک او بدانم. خلاصه من در جمیع شوؤن، حیات و مماتم بنده ای هستم تنها برای خدا و روی خود را تنها متوجه او نمودم. چیزی را قصد نمی کنم و از چیزی روی گردان نیستم مگر برای او. در مسیر زندگی ام قدم بر نمی دارم و به سوی مرگ قدم نمی گذارم مگر برای او. چون او پروردگار عالمیان، و مالک همه و مدبر همه است. (طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۵۴۴/۷) خدا باوری و خدا محوری که مهم ترین ویژگی حیات طیبه است؛ بر سایر ویژگی های این حیات سایه می اندازد. زیرا خداوند از جایگاه بالا و والا بر اوضاع و احوال نظارت دارد و ناظر گفتار و کردار همگان است. و بی گمان چنین

حمات طهره انسان  
از منظر قرآن  
کریم

باوری می تواند چهره زندگی و عملکرد مسلمانان را در نظام اسلامی دگرگون سازد و از آنان امتی نمونه والگو بسازد.

## ۲) ولایت پذیری

از جلوه های روشن قانون مندی جامعه، نهاد ولایت و رهبری است. پذیرش ولایت و سرپرستی سنگ زیرین بنای حیات طیبه است، ولایت در مقایسه با سایر ارزش های اسلام، مانند کلیدی است که با آن درب سایر ارزشها به روی جامعه گشوده می شود و ارج و ارزش پیدا می کند. (حر عاملی، محمد بن حسن، و سائل الشیعه، ۱۳۹/۸) در حیات طیبه قرآنی مسأله ولایت و رهبری از یک سو و پذیرفتن آن از سوی مردم از سوی دیگر از ویژگی های ذاتی و جوهری جامعه است. جامعه طیبه ی ولایی یعنی جامعه ای که مردم در ساختار اصلاحی و سازندگی آن رکن اصلی و اساسی به شمار می روند. فقیه مدیر و مدیر در رأس جامعه قرار دارد و مردم بازوهای توانا و چشم های بینای اویند. در این جامعه مردم نه تنها خود را تافته جدا بافته از حکومت و ولایت نمی دانند بلکه بر خود لازم و واجب می شمردند که رهبری را در تمام صحنه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یاری رسانند. همین ویژگی است که حکومت اسلامی را از حکومت کودتا و استبداد جدا ساخته است. این ویژگی در آیات قرآن نیز مورد تأکید قرار گرفته است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾ ای کسانی که ایمان آورده اید چون خدا و پیامبر شما را به چیزی فرا می خوانند که به شما حیات می بخشد؛ آنان را اجابت کنید. (انفال/۲۴)

بر طبق این آیه شریفه استجابت دعوت خداوند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از ویژگی های مهم حیات برتر است. زیرا کسانی حق ولایت و سرپرستی به معنای خاص را بر مردم دارند که شایستگی بیشتری داشته باشند. چون هر اندازه ولی و سرپرست مردم توانایی بیشتری داشته باشد؛ حیات طیبه به معنای واقعی آن را بیشتر می توان در بستر جامعه دید. ولایت پذیری پیروی از شخص نیست بلکه پیروی از جریانی اصیل و ریشه دار است که از همان آغاز رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در دل ها ریشه دوانید و دوران پس از ایشان گسترش یافت و با پیروی از ائمه علیهم السلام و نایبان بر حق



آنان ماندگار گردید.

### ۳) خیر خواهی

یکی دیگر از ویژگی های حیات طیبه، خیر اندیشی و خیر خواهی است. زندگی پاک و خدا پسندانه، آن گاه پدیدار می گردد که مسلمانان خود را امت واحد بدانند و همچون اعضای یک خانواده و اجزای یک پیکر در زمینه های گوناگون، یکدیگر را یاری رسانند و آنچه برای خود می پسندند؛ برای دیگران بپسندند و آنچه از آن می گریزند؛ برای دیگران نیز روا ندارند. دلسوزی، علاقه مندی، شفقت، مهربانی، مفاهیمی هستند که از روحیه خیر اندیشی و خیر خواهی نشأت می گیرند. در آیات قرآن کریم یکی از ویژگی های امت اسلامی را خیر خواهی و دعوت به خیر می داند.

﴿وَلَتَكُنَّ مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾<sup>۱</sup> و باید از میان شما گروهی (مردم را) به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وا دارند و از زشتی باز دارند و آنان همان رستگارانند. (آل عمران/۱۰۴)

بر طبق این آیه ، آنچه که بتوان بر آن نام خیر نهاد و آنچه که جامعه را به سوی تقوی و گسترش ارزش ها پیش می برد و آن را از آفتها و خطر ها به دور می دارد؛ باید در جامعه دینی و حیات طیبه گسترش یابد و این مهم هنگامی پیاده می شود که همگان دست به دست یکدیگر دهند و بر این هدف مقدس همدیگر را یاری رسانند و بازوی یکدیگر باشند و برای عزت و عظمت جامعه و نظام خود، احساس مسؤولیت و تکلیف کنند. از سوی دیگر کسانی که از این دستور اسلامی و خردمندانه سر باز زنند و برای پیشرفت و کمال ، گسترش دین و فرهنگ دینی و نیز مدد رساندن به رهبری و توده مردم دل نمی سوزانند؛ روز به روز جامعه را از حیات طیبه دور تر می کنند. در حیات طیبه ای که مردم آن خیر خواه یکدیگرند؛ انسان ها نسبت به هم مهربان، به سرنوشت هم علاقه مند و دلبسته، به مصالح هم علاقه مند، از رنجها و اشتباهات یکدیگر متأثر و متأسف ، با یکدیگر به رحمت رفتار می کنند، بر خیر خواهی یکدیگر به خاطر خداوند مداومت کرده و در عین فرمانبرداری از دستورات رهبری، از خیر خواهی نسبت

حمات طهر انسان  
از منظر قرآن  
کریم

به یکدیگر دریغ نمی ورزند.

#### ۴) قانون مندی

یکی دیگر از ویژگی های حیات برتر قانونمندی است. سرشت و طبیعت انسان ها به گونه ای است که هر کدام خواهان زندگی برتر، آرامش و آسایش بیشتریند. همگان می کوشند تا از داده هاو نعمت های پروردگار، برای کامیابی زندگی هر چه بیشتر بهره برند. این خواسته طبیعی و کوشش همگانی انسان ها است. روشن است برای بهره گیری هر چه بیشتر، از داده های خداوند درگیریهایی و برخورد هایی بین افراد رخ می دهد. برای پیشگیری از این مشکلات، ناگزیر باید حد و مرزها به طور کامل و جامع روشن شود تا با نگاه داشت آن همگان از زندگی سالم و جامعه ای طیب و طاهر بهرمنند گردند. قانون این حد و مرزها را روشن می کند. قانون مندی، پای بندبودن به اصول و معیارهایی است که در قانون معین شده و نگهداشت آن جامعه ای سامان مند و بهنجار به وجود می آورد. قرآن کریم در مواردی به مسأله قانون و قانون مندی اشاره کرده است و با تعبیر زیبایی حدود الله از آن نام برده است:

﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾  
این است حدود احکام الهی پس از آن تجاوز نکنید و کسانی که از حدود احکام الهی تجاوز کنند؛ آنان همان ستمکارانند. (بقره/۲۲۹)

با توجه به این آیه باید گفت جامعه وقتی دارای حیات طیب است که تک تک افراد جامعه، به قانون پای بند باشند. چه قدرتمندان و نزدیکان به مدار قدرت، چه ناتوانان و اشخاصی که از کانون مدار قدرت بدورند. چون قانون باید بر همگان، به یک گونه سایه افکند و همه در برابر قانون یکسان باشند و از داده ها و دهشهای خداوندی، یکسان و برابر بهره برند.

#### نتیجه

در این مقاله پس از تعریف روشنی از حیات طیبیه از دیدگاه مفسران، وجوه مختلف حیات در قرآن کریم ذکر و برای هر کدام آیه ای به عنوان نمونه بررسی گردید و همچنین جایگاه حیات طیبیه در میان این وجوه مختلف، بیان شد. از

حمات طیبیه انسان  
از منظر قرآن  
کریم

موارد دیگری که در این مقاله مطرح گردید؛ مهم ترین راه های دست یابی به حیات برتر از دیدگاه قرآن و بیان رابطه این دو می باشد. از مهم ترین ویژگی های حیات برتر می توان به خدامحوری، ولایت پذیری، قانونمند بودن، خیر خواهی و خیر اندیشی اشاره کرد که در حیات طیبیه اسلامی دارای جایگاه ویژه ای هستند. نکته ای که در پایان حائز اهمیت است؛ این است که بر خلاف دیدگاه کسانی که حیات برتر وزندگی پاک را فقط مخصوص جهان دیگر می دانند؛ باید گفت انسان هم می تواند در زندگی دنیا دارای حیات طیب باشد و هم در جهان دیگر. لازمه و مقدمه رسیدن به حیات طیبیه اخروی این است که انسان در این دنیا نیز زندگی طیبیه داشته باشد

### ❁ منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۴۱۴ق) لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- ۳- اعرافی، علیرضا، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۶
- ۴- امینی، ابراهیم، خود سازی یا تزکیه نفس، قم: انتشارات شفق، چاپ ششم، ۱۳۷۳
- ۵- بندر ریگی، محمد، المعجم الوسیط، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴
- ۶- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، بی جا: مکتب الاعلام اسلامی، بی جا، بی تا
- ۷- جمشیدی، اسدالله، نگاهی قرآنی به حیات معنوی، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ اول، ۱۳۸۲
- ۸- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ترجمه: محمد باقر ساعدی، بی جا: انتشارات المکتبه الاسلامیه چاپ ششم، ۱۳۶۷
- ۹- حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، تهران: موسسه فرهنگی آرایه، چاپ اول، ۱۳۶۹
- ۱۰- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تهران: انتشارات مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۵
- ۱۱- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۶
- ۱۲- طبرسی، ابو علی الفضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه: علی کریمی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی جا، ۱۳۸۰
- ۱۳- علوی، محمد علی، حیات رویکردی قرآن، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، چاپ اول، ۱۳۸۴
- ۱۴- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هشتم، ۱۳۷۸
- ۱۵- کاشانیها، زهرا، ایمان و مؤمنان در قرآن و حدیث، تهران: نشر امین، چاپ اول، ۱۳۸۶
- ۱۶- مصطفوی، حسن، تحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: انتشارات نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۰
- ۱۷- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۳
- ۱۸- میریان، احمد، و مظلوی، عین الله، موانع و آفات ایمان و عمل صالح، فصلنامه کوشهای دینی، سال اول، شماره دوم، ۱۳۸۸

